داده‌های مرکز آمار نشان می‌دهد مالکان مسکن طی سال گذشته معادل ۸۴ درصد درآمد مالیاتی دولت، درآمد کسب کرده‌اند

کمک‌خرج ۴۰۰ همتی اجاره‌نشین‌ها به مالکان

میثم اکبری
خبرنگار

یکی از موضوعات مشترک مورد مطالعه بین جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مساله فقر مسکن است. براساس تعریف هیئات (برنامه اسکان بشر ملل متحد)، درصورتی‌که هزینه مسکن بیش از یک‌سوم هزینه‌های خانوار را به خود اختصاص دهد، خانوار دچار «فقر مسکن» است، پدیده‌ای که باعث می‌شود خانوار برای تامین هزینه مسکن، قید سایر هزینه‌های اساسی زندگی (هزینه تفریح، سلامت، تغذیه، تحصیل، سفر و...) را بزند. داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد در مناطق شهری کشور سهم مسکن از هزینه‌های خانوار از حدود ۲۹ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۳۰ تا ۳۳ درصد تا سال ۱۳۹۶ و به ۳۸,۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. البته طی سال گذشته این مقدار در استان تهران حتی به حول‌وحوش ۵۱ درصد رسیده است. شوک تحریم‌های ظالمانه، التهابات ارزی، افزایش تورم و هجوم تقاضاهای سرمایه‌ای و سفته‌بازانه به بازار مسکن، این بخش را با آنچنان جهش قیمتی روبه‌رو کرده که نتیجه آن عقب‌ماندن شدید قدرت خرید خانوارها از قیمت مسکن بوده است. فقر مسکن به اندازه‌ای مهم است که براساس پژوهش سه پژوهشگر کشورمان با عنوان «تاثیر هزینه‌های مسکن بر نابرابری درآمدی و میزان جرم در استان‌های ایران» طی سال‌های اخیر افزایش هزینه‌های مسکن (افزایش قیمت و اجاره مسکن) باعث افزایش نابرابری درآمدی و افزایش میزان جرم در استان‌های مختلف شده است. محاسبات «فرهیختگان» از داده‌های هزینه- درآمد خانوار مرکز آمار ایران نشان می‌دهد مستاجران ایرانی طی سال گذشته حدود ۴۰۰ همت هزینه اجاره پرداخته‌اند، رقمی که معادل ۸۴ درصد درآمد مالیاتی سال ۱۴۰۱ دولت (بدون احتساب مالیات واردات) است.

مجموع اجاره پرداختی خانوارهای مستاجر کشور به مالکان طی سال ۱۴۰۱
(میلیارد تومان)

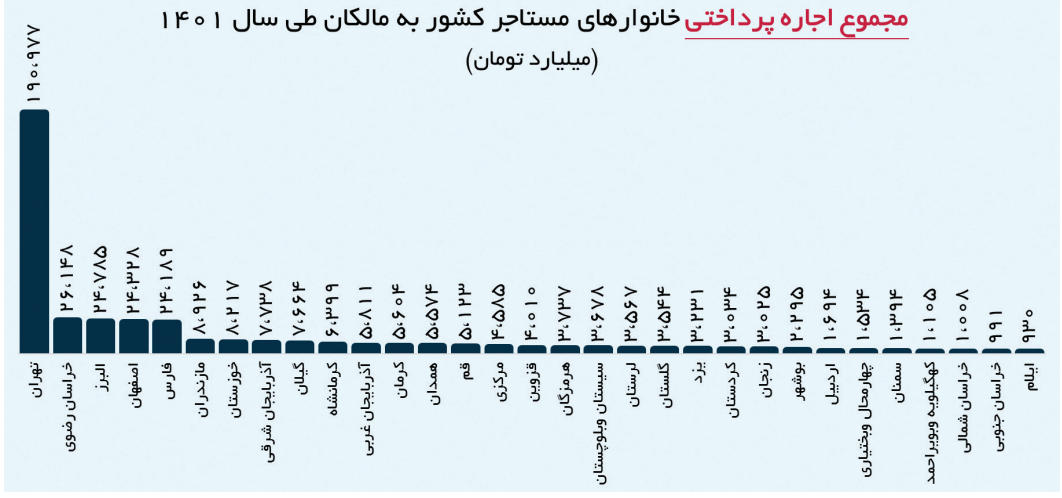

سهم مسکن از کل هزینه‌های سبد معیشت خانوارها طی سال ۱۴۰۱ (درصد)

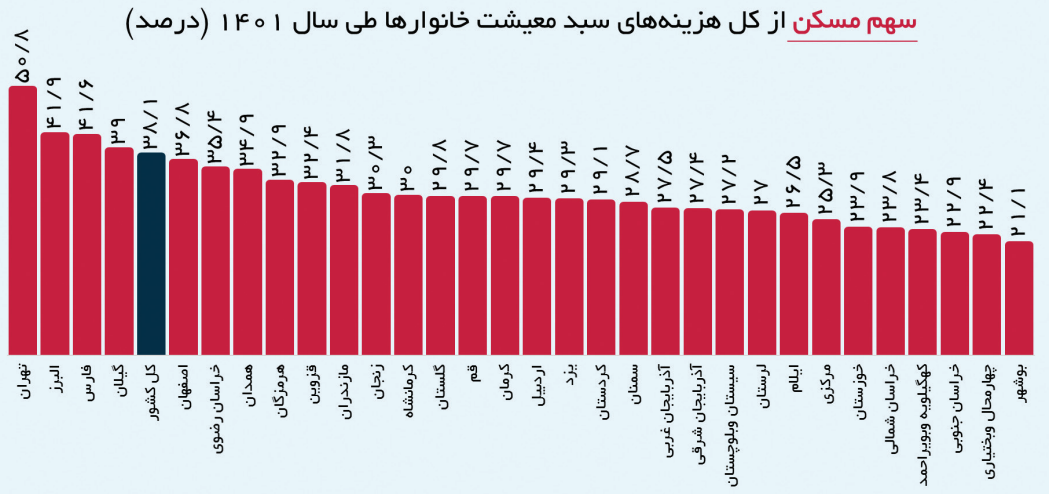

مقایسه هزینه ماهانه اجاره برای هر خانوار با حداقل دریافتی کارگر چهار نفره (با ۲ فرزند)
طی سال ۱۴۰۱

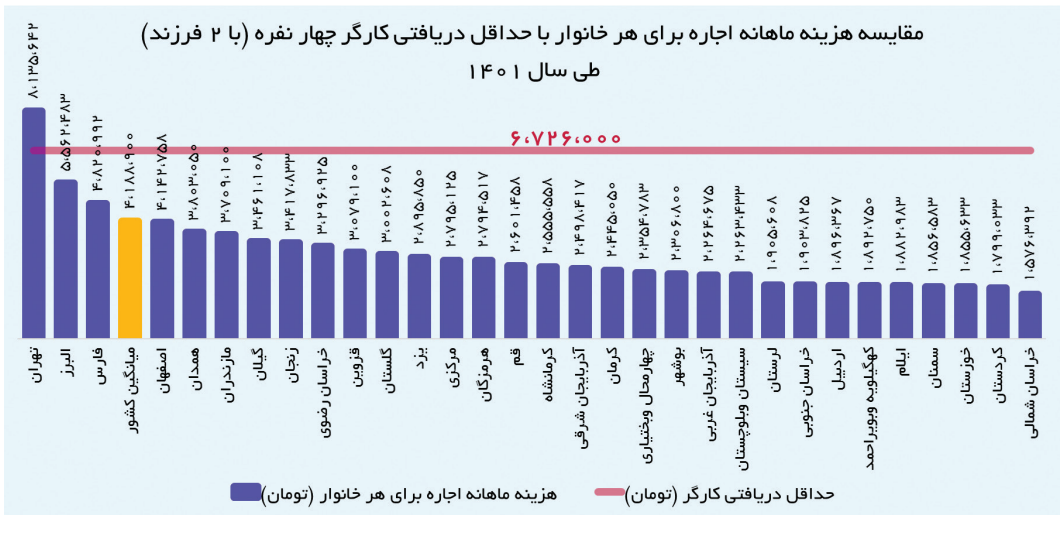

تعداد و درصد خانوارهای مستاجر از کل خانوارهای کشور طی سال ۱۴۰۱
(نفر/درصد)

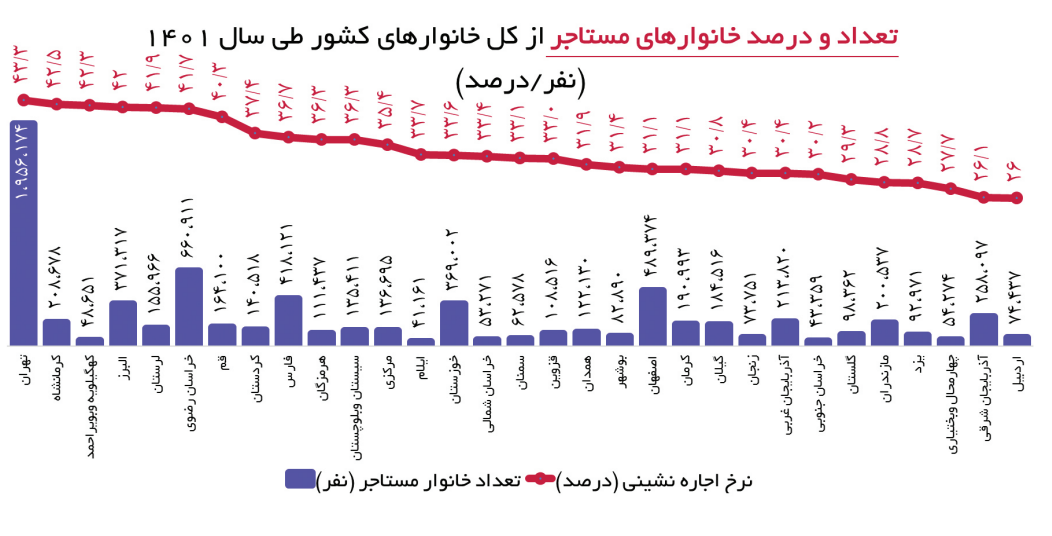

کارنامه هزینه مسکن ۷,۳ میلیون خانوار

واضح است که یکی از اصلی‌ترین نیازهای یک خانوار ساکن در هر نقطه نیاز به سرپناه بوده و در میان انواع روش‌های سکونت شخصی، استیجاری و سایر (اعم از منازل سازمانی و...) سهم دو مورد نخست هم بیشتر و هم اصلی‌تر است و با توجه به وضعیت اقتصادی سالیان گذشته و کاهش ارزش پول ملی، بررسی هزینه‌کرد خانوار در بخش مسکن می‌تواند در ایجاد دید مناسب در سیاستگذاران و مجریان کمک‌کننده باشد اما پیش از این خوب است نگاهی به نرخ اجاره‌نشینی در کشور داشته باشیم.

نگاهی به آمارهای رسمی نشان می‌دهد تعداد کل خانوارهای شهری کشور تا سال ۱۴۰۱ به بیش از ۲۰ میلیون و ۲۰۱ هزار رسیده که از این تعداد، سهم استان تهران به‌عنوان پرجمعیت‌ترین استان کشور به چهارمیلیون و ۵۱۸ هزار خانوار می‌رسد. پس از تهران، خراسان رضوی با یک‌میلیون و ۵۸۵ هزار، اصفهان با یک‌میلیون و ۵۷۴ هزار، فارس با یک‌میلیون و ۱۳۹ هزار و خوزستان با یک‌میلیون و ۹۸ هزار خانوار، استان‌هایی هستند که آخرین آمارها حکایت از تعداد خانوار بیش از یک‌میلیون در آنها دارد. در سمت دیگر استان‌های کهگیلویه‌وبویراحمد با ۱۱۵ هزار، ایلام با ۱۲۲ هزار و خراسان جنوبی با ۱۴۴ هزار خانوار، به‌عنوان استان‌هایی شناخته می‌شوند که کمترین تعداد خانوار کشور را در میان سایر استان‌ها به خود اختصاص داده‌اند. همچنین براساس آخرین آمار مربوط به نرخ اجاره‌نشینی کشور که مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۵ می‌شود نرخ اجاره‌نشینی در کل کشور حدود ۳۴ درصد است و اگر این نرخ را در تعداد خانوارهای سال ۱۴۰۱ اعمال کنیم باید گفت در کل کشور حدود هفت‌میلیون و ۳۲۲ هزار خانوار مستاجر حضور دارند.

سهم ۳۰ تا ۴۰ درصدی مستاجران از جمعیت استان‌ها

هفت‌میلیون و ۳۲۲ هزار خانوار مستاجر آمار متوسط کشوری هستند و وضعیت در استان‌های مختلف به سبب ویژگی‌های متنوع با تغییراتی همراه است؛ به‌طوری‌که بالاترین نرخ اجاره‌نشینی در کشور مربوط به استان تهران با نرخ بیش از ۴۳ درصد و استان کرمانشاه با ۴۲,۵ درصد است و این دو استان دارای بیشترین نرخ اجاره‌نشین‌ها هستند و البته تهران به سبب جمعیت بالا دارای بیشترین تعداد خانوار مستاجر از لحاظ تعدادی نیز هست، به‌طوری‌که با فرض آمار ۴۳ درصدی اجاره‌نشینی باید گفت تعداد خانوارهای اجاره‌نشین در استان تهران به یک‌میلیون و ۹۵۶ هزار خانوار می‌رسد (این عدد در استان کرمانشاه که نرخ اجاره‌نشینی همچون تهران دارد ۲۰۹ هزار خانوار است). پس از این دو استان نیز استان‌های کهگیلویه‌وبویراحمد، البرز (۳۷۱ هزار خانوار مستاجر)، لرستان و خراسان رضوی (۶۶۱ هزار خانوار مستاجر) با داشتن نرخ اجاره‌نشینی ۴۲ درصد به‌صورت مشترک در رتبه دوم قرار دارند و پس از این استان‌ها قم با ۴۰ درصد به‌عنوان هفتمین استان با نرخ اجاره‌نشینی بیش از ۴۰ درصد قرار دارد و باید گفت با توجه به میانگین ۳۴ درصدی نرخ اجاره‌نشینی کشور، ۱۲ استان دارای نرخ اجاره‌نشین بیش از متوسط کشوری هستند. در سمت دیگر نرخ اجاره‌نشینی در استان‌های اردبیل و آذربایجان شرقی با ۲۶ درصد کمترین میزان در تاریخ گزارش‌گیری بوده و پس از این دو استان، نرخ اجاره‌نشینی در استان‌های چهارمحال‌وبختیاری (۲۸ درصد) و در استان‌های یزد، مازندران و گلستان با ۲۹ درصد نسبتی کمتر از ۳۰ درصد را به ثبت رسانده‌اند. البته لازم به‌ذکر است آمار مربوط به نرخ و درصد مستاجران (نه تعداد) براساس آخرین سرشماری رسمی کشور در سال ۱۳۹۵ تنظیم شده و قطعا باید شاهد تغییراتی در نرخ اجاره‌نشینی یا رتبه‌بندی استان‌های مختلف کشور باشیم؛ چراکه وضعیت اقتصادی و نیاز به درآمد بالاتر از اصلی‌ترین محرک‌هایی است که خانوارها را در مهاجرت به استان‌های مهاجرپذیر (به سبب شرایط صنعتی و اشتغال) سوق می‌دهد.

اجاره‌ها معادل ۳۰ تا ۱۰۰ درصد حقوق کارگر

اما پس از اشاره به نرخ اجاره‌نشینی و استان‌های با بیشترین نرخ مستاجر، یکی از موارد مهم در خصوص خانوارهای مستاجر هزینه پرداختی جهت اجاره منازل مسکونی است؛ چراکه با توجه به افزایش قیمت مسکن از یک‌سو خانه‌دار شدن برای خانوارها سخت‌تر شده و از یک‌سو این موضوع تاثیر خود را در افزایش هزینه اجاره‌بها به‌دلیل چسبندگی رشد قیمت مسکن و نرخ اجاره و همچنین افزایش قیمت اجاره به دلیل تورم نشان می‌دهد. در این خصوص نگاهی به هزینه اجاره‌خانه براساس گزارش هزینه- درآمد خانوار شهری مرکز آمار ایران که مربوط به سال ۱۴۰۱ است، نشان می‌دهد میانگین کشوری اجاره پرداختی هر خانوار طی سال ۱۴۰۱ بیش از ۵۰ میلیون تومان بوده که مبین هزینه چهارمیلیون و ۲۰۰ هزارتومانی برای هرماه است. البته این هزینه فقط اجاره پرداختی خانوار است و شامل هزینه آب و فاضلاب، برق و گاز و تلفن و اینترنت و سایر هزینه‌های جانبی نمی‌شود. اما بیشترین میانگین اجاره پرداختی هر خانوار طی یک سال مربوط به استان تهران با حدود ۹۸ میلیون تومان است که به‌طور متوسط هزینه ماهیانه اجاره بیش از هشت‌میلیون تومانی را برای خانوار برجای می‌گذارد. گفتنی است که پس از تهران، بیشترین هزینه سالیانه اجاره برای هر خانوار در سال ۱۴۰۱ به استان البرز با عددی نزدیک به ۶۷ میلیون تومان تعلق دارد، یعنی اجاره محل سکونت به ازای هرماه در استان البرز حدود پنج‌میلیون و ۶۰۰ هزار تومان برای هر خانوار هزینه دربرداشته است. پس از البرز بیشترین هزینه ماهانه منزل متعلق به استان فارس بوده با چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار تومان که سه استان تهران، البرز و فارس را بالاتر از میانگین چهارمیلیون و ۲۰۰ هزار تومان قرار می‌دهد. در ادامه فهرست استان اصفهان با میانگین اجاره چهارمیلیون و ۱۴۰ هزار، همدان با سه‌میلیون و ۸۰۰ هزار، مازندران با سه‌میلیون و ۷۰۰ و گیلان با سه‌میلیون و ۴۶۰ هزار تومان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در سوی دیگر کمترین میزان هزینه ماهانه اجاره برای خانوار در استان‌های خراسان شمالی با یک‌میلیون و ۵۷۶ هزار، کردستان با یک‌میلیون و ۸۰۰ هزار، خوزستان و سمنان با یک‌میلیون و ۸۵۶ هزار تومان هزینه در سبد خانوار دارد.

نکته قابل‌توجه در این خصوص این است که حداقل دریافتی کارگر چهارنفره با دوفرزند طی سال ۱۴۰۱ حدود ۶ میلیون و ۷۲۶ هزار تومان بوده است. همانطور که در نمودار آمده، در استانی مثل تهران کارگر اگر با حقوق پایه وزارت کار بخواهد مستاجر نه شهر تهران، بلکه اقمار تهران هم باشد علاوه بر آنکه باید تمام درآمد خود را صرف هزینه اجاره کند، باید مقداری به آن اضافه کند تا از پس هزینه اجاره یک‌ماه برآید و پوشش سایر هزینه‌ها مانند خوراک، پوشاک و تحصیل فرزندان مساله‌ای است که این سرپرستان خانواده را به‌سمت شغل‌های دوم و سوم و اشتغال سایر اعضای خانواده می‌کشاند. طبق آمارها، در سال گذشته هزینه اجاره ماهانه مسکن در استان تهران معادل ۱۲۱ درصد حقوق کارگر بوده است، پس از آن در استان البرز این مقدار معادل ۸۳ درصد حقوق کارگر، در استان فارس ۷۲ درصد، در استان اصفهان ۶۲، در همدان ۵۷، در مازندران ۵۵ و در گیلان و زنجان معادل ۵۱ درصد حقوق کارگر بوده است. اما کمترین مقدار سهم مسکن از حقوق کارگر با حداقل دریافتی مربوط به استان‌های خراسان شمالی، کردستان، خوزستان، سمنان، ایلام، کهگیلویه‌وبویراحمد، اردبیل، خراسان جنوبی و لرستان است. طی سال گذشته در استان‌های مذکور سهم اجاره مسکن از حقوق کارگر بین ۲۳ تا ۲۸ درصد بوده است

۴۰۰ همت هزینه یک سال مستاجران

اما پس از اشاره به ابعاد اقتصاد خرد مسکن و نرخ مستاجران نگاهی به گردش مالی در این بخش نیز جالب توجه است. در این خصوص می‌توان با در نظر گرفتن رقم اجاره پرداختی خانوار به‌صورت سالیانه و تعداد مستاجران در هر استان نمای کلی و تقریبی از کل اجاره پرداختی مستاجران داشت. آنطور که گفته شد، داده‌های مرکز آمار ایران (گزارش هزینه- درآمد) نشان می‌دهد طی سال گذشته بالاترین رقمی پرداختی اجاره‌بها از سوی یک خانوار مربوط به خانوارهای شهری استان تهران بوده است. در مناطق شهری این استان هر خانوار طی سال ۱۴۰۱ به‌طور میانگین حدود ۹۸ میلیون تومان هزینه اجاره داده است. پس از آن البرزی‌ها نزدیک به ۶۷ میلیون تومان، در استان فارس نزدیک به ۵۸ میلیون تومان، در استان اصفهان نزدیک به ۵۰ میلیون تومان، در همدان ۴۶، در مازندران ۴۴,۶، در گیلان ۴۱,۵ و در زنجان ۴۱ میلیون تومان بوده است. کمترین مقدار هم مربوط به استان‌های خراسان شمالی، کردستان، خوزستان، سمنان، ایلام، کهگیلویه‌وبویراحمد، اردبیل، خراسان جنوبی و لرستان با هزینه سالانه ۱۹ تا ۲۳ میلیون تومان بوده است. محاسبات نشان می‌دهد اگر تعداد خانوارهای مستاجر در هر استان را در میانگین هزینه پرداختی در هر استان ضرب کنیم، عدد به‌دست‌آمده برای پرداختی کل مستاجران کشور طی سال ۱۴۰۱ به حدود ۳۹۵ هزار میلیارد تومان خواهد رسید.

در میان استان‌های کشور، مستاجران استان تهران با نزدیک به دو میلیون خانوار و پرداخت سالیانه ۹۸ میلیون تومانی برای هزینه اجاره مسکن به ازای هر خانوار، درمجموع ۱۹۱ هزار میلیارد تومان به مالکان مسکن هزینه اجاره پرداخته‌اند که بیش از نصف تمام اجاره‌بهای پرداختی کل کشور است. اختلاف این عدد به شکلی است که خراسان‌رضوی به‌عنوان استان بعدی، مجموع اجاره‌بهای ۲۶ هزار میلیارد تومانی را در خود دارد که هفت برابر کمتر از استان تهران است. پس از خراسان‌رضوی تخمین پرداختی مستاجران در استان‌های البرز ۲۵ هزار میلیارد تومان و اصفهان و فارس ۲۴ هزار میلیارد تومان بوده، در نقطه مقابل این عدد در استان ایلام ۹۳۰ و خراسان جنوبی ۹۹۱ میلیارد تومان است.

رکورد تاریخی سهم مسکن در سبد معیشت

در مباحث اقتصادی-اجتماعی یکی از مواردی که جزء مطالعات بیش‌رشته‌ای بوده، مساله مسکن مقرون‌به‌صرفه است. مسکن مقرون‌به‌صرفه به این معنی است که سهم مسکن از هزینه خانوار بیشتر از ۳۰ درصد نباشد، زیرا درصورتی‌که هزینه مسکن بیش از یک‌سوم هزینه‌های خانوار را به خود اختصاص دهد، سایر لذت‌های اساسی زندگی خانوارها تهدید خواهد شد. یکی از شاخص‌های اندازه‌گیری میزان مقرون‌به‌صرفه بودن مسکن، سهم مسکن از هزینه خانوار شهری است. براساس تعاریف، درصورتی‌که سهم مسکن از هزینه خانوار بیش از ۳۰ درصد باشد، براساس تعریف هبیتات (برنامه اسکان بشر ملل متحد) مقرون‌به‌صرفه نبوده است. این شاخص میزان هزینه مسکن را از کل هزینه خانوار نشان می‌دهد. آن‌طور که داده‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد، در مناطق شهری کشور سهم مسکن از هزینه‌های خانوار از ۲۸ تا ۲۹ درصد طی سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۴ به ۳۰ تا ۳۳ درصد تا سال ۱۳۹۶ رسیده است. اما در سال ۱۳۹۷ با شوک تحریم‌ها، التهابات ارزی، افزایش تورم و هجوم تقاضاهای سرمایه‌ای به بخش مسکن، این بخش نیز با جهش شدید قیمت‌ها روبه‌رو شد و نتیجه آن عقب‌ماندن قدرت خرید خانوارها از قیمت مسکن بود. با جهش قیمت‌ها در بازار مسکن که طی چند سال اخیر رخ داده آمارهای مرکز آمار ایران نشان می‌دهد سهم مسکن از کل هزینه‌های خانوار (خوراکی و غیرخوراکی) به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۷، به ۳۹,۸۳۶ درصد در سال ۱۳۹۸، به ۳۷ درصد در سال ۱۳۹۹، به ۳۶ درصد در سال ۱۴۰۰ و درنهایت به ۳۸,۱ درصد در سال ۱۴۰۱ رسیده است. این مقدار علاوه‌بر اینکه حدود ۸ واحد درصد از نرخ فقر مسکن بالاتر بوده (نرخ متعارف ۳۰ درصد)، بالاترین رقم سهم مسکن از سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری ایرانی در چهار دهه اخیر نیز هست. اما برای اینکه بتوان درک بهتری از پیامدهای بالا بودن هزینه‌های مسکن در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری ایران به دست آورد، در اینجا یک مقایسه آماری بین هزینه‌های مسکن در سبد هزینه‌ای ۵۲ کشور جهان در مناطق مختلف انجام داده‌ایم. این مقایسه آماری نشان می‌دهد درحالی‌که مسکن و خدمات وابسته به آن در سبد هزینه‌ای خانوارهای شهری ایرانی سهم نزدیک به ۳۸,۱ درصدی دارد، در کشور عضو OECD به‌طور میانگین حدود ۲۳ درصد، در کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۲۳,۹ درصد و در حوزه یورو ۲۳,۶ درصد از هزینه‌های خانوار مربوط به مسکن است. در بین ۵۲ کشوری که وضعیت آنها با ایران مقایسه شده، پس از خانوارهای ایرانی، فنلاندی‌ها با ۲۸,۹ درصد، اسلواکی‌ها با ۲۸,۷ درصد، دانمارکی‌ها با ۲۸,۱ درصد، جمهوری چک با ۲۶,۳ درصد و فرانسه با ۲۶,۲ درصد به‌ترتیب در رتبه‌های دوم تا هفتم با بالاترین هزینه در این بخش قرار دارند. در روسیه سهم مسکن از سبد هزینه‌ای خانوار حدود ۱۳,۸ درصد است. این میزان در مکزیک ۱۴,۶ درصد، در لیتوانی ۱۴,۹ درصد، در شیلی و ترکیه ۱۵ درصد، در کره‌جنوبی ۱۷ درصد، در قبرس ۱۵,۶ درصد و در آمریکا ۱۹ درصد است. همچنین در قطر ۲۱,۲ درصد، در عربستان سعودی ۲۲,۴ درصد، در ایتالیا ۲۲,۵ درصد، در پاکستان ۲۳,۸ درصد، در چین ۲۴,۴ درصد و در ژاپن ۲۵ درصد است.

خلأهای حکمرانی اقتصادی بلای جان مستاجران

همان‌گونه که طی دهه اخیر خصوصا چند سال گذشته شاهد بودیم افزایش هزینه خرید یا ساخت مسکن در کنار تورم موجب شده که نرخ اجاره‌نشینی روند افزایشی داشته باشد و روزبه‌روز سهم هزینه مسکن در سبد هزینه خانوار افزایش یابد و حتی در این مسیر، اجاره‌نشینی در مناطق حاشیه شهرها نیز رشد کند. در این خصوص دولت‌های مختلف نیز سعی دارند با اعمال سیاست‌های اقتصادی در حوزه مسکن فارغ از سیاست‌های اقتصاد کلان اما در ارتباط با آن، ترمز افزایش سرسام‌آور قیمت در این بخش را بکشند. اما یکی از مواردی که در ایران سبب شده تا این سیاست‌ها اثر نداشته یا در رسیدن به اهداف خود به حد خوبی نرسند عدم اطلاع دقیق دولت‌ها و دستگاه‌های مختلف حاکمیتی از موجودی و مالکیت مسکن به علت قولنامه‌ای بودن حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد از مسکن کشور بوده است چراکه اعمال سیاست و اقدامات حکمرانی در هر حوزه نیاز به داشتن اطلاعات و آمار به‌روز و متقن از آن بخش دارد. به‌عنوان مثال معمولا دولت‌های مختلف و در طرح‌های ساخت مسکن خود سعی دارند با استفاده از مشوق‌ها و امتیازات مختلف، هم سختی‌های مالی برای جامعه هدفی که متقاضی مسکن هستند را کاهش دهند و هم زمینه بهره‌مندی جامعه بزرگ‌تری از متقاضیان مستحق را فراهم آورند. اما تجربه چندسال اخیر و طرح‌های مسکن اجراشده نظیر مسکن مهر نشان‌دهنده آن است که به دلیل فقدان دسترسی دولت به موجودی و مالکیت مسکن در کشور یارانه‌های مختلفی که دولت‌ها در این خصوص اعطا کرده‌اند از یک‌سو به دلیل عمومیت در اعطا، هم انحراف بالایی داشته و هم نصیب افرادی شده که نیازی به آن نداشته‌اند؛ آن هم در شرایط سخت اقتصادی که افراد مستحق توان ایفای تعهدات خود را درخصوص طرح‌های مسکن ندارند. به عبارت دیگر این یارانه‌ها جنبه‌های مختلفی داشته‌اند؛ از اعطای زمین رایگان و کاهش یا حذف عوارض شهرداری تا اعطای حق انشعابات مختلف به این واحدها که در حالت عادی سازندگان مسکن متعهد به پرداخت آن هستند اما در طرح دولت‌های مختلف و به دلیل همان نیت خیر این یارانه‌ها به تمام افراد اعطا شده درحالی‌که ممکن است در ادامه این زنجیره افراد نیازمند از گردونه دریافت‌کنندگان نهایی مسکن یارانه‌ای حذف شوند و با خروج آنان افراد دارای توان مالی جایگزین آنان شده درحالی‌که مطابق با قواعد قانونی و عرفی، یارانه مربوطه نباید به آنان تعلق بگیرد. اما مساله مهم‌تر دیگر موضوع تخصیص یارانه‌های نقدی (یارانه‌های ماهانه) است. به علت فقدان اطلاعات مالکیت و موجودی مسکن، درحالی اغلب خانوارها به جز سه دهک اول همگی از یارانه نقدی یکسان بهره‌مند می‌شوند که در این میان فشار معیشتی روی مستاجران بسیار طاقت‌فرساست. به عبارتی، به دلیل نبود اطلاعات دقیق از مستاجران و مالکان در بهره‌مندی و استحقاق‌سنجی یارانه‌های نقدی دولت مالکیت مسکن را هنوز دخیل نکرده است درحالی‌که مسکن بین ۳۰ تا ۵۰ درصد از هزینه‌های خانوارهای مستاجر ساکن شهرها را می‌بلعد.

شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲
شماره ۳۹۷۴
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
سردبیر:
مسعود فروغی
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری
روبه‌روی ساختمان بورس
ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم